

اسلام فراسوی پدرسالاری از رهگذر تحلیل قرآنی جنسیت شمول

امنیہ ودود

ترجمہ : فاطمہ صادقی

Women living under muslim laws
النساء في ظل قوانين المسلمين
Femmes sous lois musulmanes
زنان و قوانین در جوامع مسلمان



musawah
For Equality in the Muslim Family

عنوان کتاب: اسلام فراسوی پدرسالاری از رهگذر تحلیل قرآنی جنسیت شمول

نام نویسنده: امنیه ودود

نام مترجم: فاطمه صادقی

چاپ اول: ۲۰۰۹

زبان مبدأ: انگلیسی

چاپ اول به زبان فارسی: ۲۰۱۴

حق چاپ: زنان و قوانین در جوامع مسلمان (WLUML)

تمام حقوق محفوظ است.

در صورت ذکر نام نویسنده و ناشر، استفاده از بخشی از این اثر و یا ارجاع به آن بلامانع است. هیچ بخشی از این اثر نباید بدون اجازه کتبی صاحب حق چاپ برای اهداف تجاری بازنشر یا استفاده شود.

انتشارات: زنان و قوانین در جوامع مسلمان (WLUML)

صندوق پستی: ۲۸۴۴۵

لندن، بریتانیا

PO Box 28445

London N19 5NZ

UK

چاپ: زنان و قوانین در جوامع مسلمان

wluml@wluml.org

www.wluml.org

farsidari-wluml.org

شاپک نسخه الکترونیک: 978-1-907024-26-9

انتشارات شبکه همبستگی بین المللی زنان و قوانین در جوامع مسلمان تلاش می کند تا آگاهی عمومی را درباره زندگی، مبارزات و استراتژی های زنانی که در جوامع و کشورهای مختلف زندگی می کنند افزایش دهد. انتشارات شبکه امکان دسترسی به دانش و تجربیات اندوخته شده در جنبش های زنان را برای طیف گسترده ای از مخاطبان فراهم می کند تا به عنوان ابزاری به گسترش و موفقیت جنبش مستقل زنان در اقصا نقاط جهان یاری رساند. اطلاعات مندرج در این اثر لزوما نظرات و مواضع شبکه زنان و قوانین در جوامع مسلمان نیست، مگر آن که قید شود

Women living under muslim laws

النساء في ظل قوانين المسلمين

Femmes sous lois musulmanes

زنان و قوانین در جوامع مسلمان

Title: Islam Beyond Patriarchy Through Gender Inclusive Qur'anic Analysis

Author: Amina Wadud - Musawa

Translator(s): Fatemeh Sadeghi

First Publisher by: Musawa 2009

Original language: English

First Farsi Edition: 2014

Copyright © Women Living Under Muslim Laws

All rights reserved.

Part of this book may be quoted or used as long as the authors and publisher are acknowledged. No part of this publication may be reproduced or transmitted for commercial purposes without prior written permission from the copyright owner.

Published by: Women Living Under Muslim Laws

PO Box 28445

London N19 5NZ

UK

wluml@wluml.org

www.wluml.org

www.farsidari-wluml.org

Printed by: WLUML

ISBN: 978-1-907024-26-9 E-Book

Publications of the international solidarity network, Women Living Under Muslim Laws (WLUML), aim to provide information about the lives, struggles and strategies of women living in diverse Muslim communities and countries. WLUML publications make the accumulated knowledge and experiences of women's rights movements accessible to a wide readership, as tools to help inform strategies and initiatives that promote greater autonomy of women worldwide.

The information contained in this publication does not necessarily represent the views and positions of the network Women Living Under Muslim Laws, unless stated.

Women living under muslim laws

النساء في ظل قوانين المسلمين

Femmes sous lois musulmanes

زنار وقوانين در جوامع مسلمان

فهرست مطالب

درباره شبکه زنان و قوانین در جوامع مسلمان.....	۵
دیباچه: از برنامه زنان و قوانین در جوامع مسلمان تا مساوات جنبشی جهانی برای برقراری عدالت و برابری در خانواده‌های مسلمان	۸
چشم‌انداز ، اصول کلیدی و اهداف مساوات	۱۳
درباره نویسنده	۱۷
اسلام فراسوی پدرسالاری از رهگذر تحلیل قرآنی جنسیت شمول	۱۹
منابع	۳۷

About Women Living Under Muslim Laws (WLUML)

Women Living Under Muslim Laws is an international solidarity network with a mission to effectively advance women's equality, gender justice, and women's human rights through a variety of channels; providing information, research and analysis, training workshops and conferences, as well as facilitating a transnational and intergenerational collective space for women whose lives are shaped, conditioned or governed by laws and customs said to derive from Islam.

The network started in 1984 by nine women from Algeria, Morocco, Sudan, Iran, Mauritius, Tanzania, Bangladesh and Pakistan who came together and formed the Action Committee of Women Living Under Muslim Laws in support of local women's struggles. Since then WLUML has linked individual women and organisations and now extends to more than 70 countries ranging from South Africa to Uzbekistan, Senegal to Indonesia and Brazil to France. It links:

- ❖ Women living in countries or states where Islam is the state religion, secular states with Muslim majorities as well as those from Muslim communities governed by minority religious laws;
- ❖ Women in secular states where political groups are demanding religious laws; women in migrant Muslim communities in Europe, the Americas and around the world;
- ❖ Non-Muslim women who may have Muslim laws applied to them directly or through their children;
- ❖ Women born into Muslim communities/families who are automatically categorised as Muslim but may not define themselves as such, either because they are not believers or because they choose not to identify themselves in religious terms, preferring to prioritise other aspects of their identity such as political ideology, profession, sexual orientation or others.

What is in the Name: Our name challenges the myth of one, homogenous 'Muslim world'. This deliberately created myth fails to reflect that laws said to be Muslim vary from one context to another. The laws that determine our lives are from diverse sources: religious, customary, colonial and secular. Many different laws simultaneously govern us: laws recognised by the state (codified and uncoded) and informal laws such as customary practices, which vary according to the cultural, social and political context.

درباره شبکه زنان و قوانین در جوامع مسلمان

یک شبکه همبستگی بین المللی است که با هدف اقدام موثر برای ارتقای برابری و عدالت جنسیتی و حقوق بشر زنان ایجاد شده است. این هدف با گردآوری اطلاعات، پژوهش و تحلیل، برگزاری کارگاه های آموزشی، نشست‌ها و همایش‌ها، تلاش برای تسهیل تبادل نظر بین نسلی و تعاملات بین المللی و نیز ایجاد فضای همکاری جمعی برای زنانی که زندگی‌شان متأثر از قوانین و سنت‌های منتسب یا متأثر از اسلام است، محقق می‌شود.

در سال ۱۹۸۴ نه زن از کشورهای الجزایر، مراکش، سوئدان، ایران، موریتانی، تانزانیا، بنگلادش و پاکستان گرد هم آمدند و کمیته اجرایی زنان و قوانین در جوامع مسلمان را برای حمایت از مبارزات زنان در مناطق گوناگون تشکیل داده و این شبکه را بنیان نهادند. از آن هنگام تا کنون، شبکه موفق شده زنان مستقل و نیز سازمان‌های متعددی را با یکدیگر مرتبط کرده و دامنه فعالیت خود را به بیش از ۷۰ کشور، از آفریقای جنوبی تا ازبکستان، از سنگال تا اندونزی، و از برزیل تا فرانسه گسترش دهد. زنانی که در دامنه توجه شبکه قرار دارند را می‌توان به گروه‌های زیر دسته‌بندی کرد:

❖ زنان ساکن در کشورهای که در آنها اسلام دین رسمی است، یا کشورهای با نظام سکولار اما با اکثریت مسلمان، و نیز زنان مقیم در جوامع اقلیت که قوانین اسلامی درون جامعه اقلیت حکم فرمات.

❖ زنان ساکن در کشورهای با نظام سکولار اما دارای گروه‌های سیاسی خواهان اعمال قوانین اسلامی، زنان مهاجر درون جوامع محلی مسلمان در اروپا، آمریکا و دیگر نقاط جهان.

❖ زنان غیر مسلمانی که قوانین اسلامی به طور مستقیم و یا به واسطه وضعیت فرزندان‌شان بر زندگی آنها حاکم است.

❖ زنانی که به واسطه تولد در خانواده/جامعه مسلمان ناخواسته مسلمان دانسته می‌شوند، در حالی که به اسلام اعتقاد ندارند یا ترجیح می‌دهند هویت خود را به جای مذهب بر اساس ویژگی‌های دیگری نظیر بینش سیاسی، شغل، گرایش جنسی و غیره تعریف کنند.

چرا این نام را برگزیده‌ایم؟

انتخاب نام Women Living Under Muslim Laws

دلیل مهمی دارد. با این که در زبان انگلیسی، از نظر دستور زبن، کلمه law جمع بسته نمی‌شود ولی در جمع بستن آن برای اسم شبکه تعمد وجود داشته است تا نشان داده شود که قانون واحدی به نام «قانون اسلامی» وجود ندارد و بدین وسیله باور نادرستی است که «جهان اسلام» را یک پدیده واحد و همگن می‌داند به چالش کشیده شده است. این باور نادرست که عامدانه و هدفمند گسترش یافته است، ناتوان از توضیح این واقعیت است که قوانین موسوم به «اسلامی» در جوامع مختلف با هم تفاوت دارند. به باور ما قوانینی که در این جوامع، سرنوشت و زندگی زنان را شکل می‌دهد ریشه های متنوعی نظیر مذهب، عرف، عادات استعماری و یا باورهای سکولار دارد. در واقع، زندگی ما هم‌زمان تحت کنترل قوانینی با مبانی متفاوت است: قوانین حکومتی (مصوب یا غیرمصوب) و قواعد غیر رسمی جزی در جامعه مانند سنتها و رسوم که خود اینها هم بر اساس شرایط فرهنگی و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی متفاوت، متنوع و متکثر هستند.

این شبکه تلاش کرده است با طراحی ساختاری باز و منعطف، زمینه مشارکت بیشتر گروه‌های مستقل و افراد گوناگون را فراهم

WLUML, as a network, has opted for an open structure which has been designed to maximise the participation of diverse and autonomous groups and individuals as well as collective decision-making. WLUML does not have formal membership and networkers are a fluid group of individuals and organisations who maintain regular two-way contact with the network. For more information please see the WLUML website at www.wluml.org.

What are WLUML's mission and focus?

Its mission is to strengthen women's individual and collective struggles for equality and their human rights, especially in Muslim contexts. It achieves this by breaking their isolation, by providing trainings, and by creating and reinforcing spaces for women to share experiences and lend support to one another. This support is created by making linkages between women within Muslim countries and communities, and with global feminist and progressive groups. In this way WLUML promotes the creation and strengthening of both local and transnational women's movements.

Publications, Research, and Media:

WLUML conducts research, maps various analyses, mobilizes knowledge through the organization of training workshops, conferences, launch campaigns, circulates information regarding women's diverse experiences and strategies in Muslim contexts and helps to demystify the diverse sources of control over women's lives. It also runs the Feminist Leadership Institute for women in Muslim contexts. WLUML's current focus is on the four themes of: fundamentalism and identity politics, peace building and resisting the impact of militarisation on women's lives, promoting and protecting women's equality under laws particularly family laws, and sexuality and women's bodily autonomy. Violence against women, as a theme, cuts across all of WLUML's projects and activities. Its publications are primarily in English, French, Arabic (and some in other local languages based on the need assessments and in response to the request from activists on the ground) are freely available on the website at www.wluml.org. Networkers also translate information into numerous other languages. There are also printed versions of our selected publications, some of which are available on Amazon and other virtual bookstores.

آورده و امکان تصمیم گیری جمعی را تقویت کند. شبکه زنان فوایی در جوامع مسلمان عضویت رسمی ندارد و اعضای آن گروه‌های سیلی از افراد و سازمان‌ها هستند که ارتباطی دوسویه با شبکه دارند. برای دریافت اطلاعات بیشتر لطفاً به وب سایت شبکه مراجعه کنید به آدرس‌های:

صفحه فارسی: farsidari-wluml.org

صفحه انگلیسی: www.wluml.org

هدف و تمرکز شبکه بر روی چه موضوعاتی است؟

هدف شبکه تقویت مبارزات فردی و گروهی زنان برای دستیابی به برابری و حقوق بشر زنان، به ویژه در جوامع مسلمان است. برای رسیدن به این هدف، شبکه تلاش می‌کند زنان را از انزوا و تک‌افتادگی خارج کند، آنها را آموزش دهد و فضای تبادل تجربیات و پشتیبانی متقابل میان آنها را ایجاد و تثبیت کند. این حمایت از طریق برقراری ارتباط میان زنان در جوامع و کشورهای مسلمان، و نیز فمینیست‌ها و گروه‌های پیشرو در جهان امکان‌پذیر می‌شود. بین ترتیب شبکه، شکل‌گیری و تقویت جنبش‌های محلی و فراملی زنان را ترویج می‌کند.

انتشارات، پژوهش‌ها و رسانه

شبکه از طریق انجام پروژه‌های تحقیقی و ارائه تحلیل‌های متنوع و همچنین با برگزاری کارگاه‌های آموزشی، کنفرانس‌ها، رله ندازی کمپین‌ها، اطلاعاتی را در مورد تجارب و استراتژی‌های متنوع زنان در اجتماعات مسلمان منتشر می‌کند و پرده از ابزارهای متنوع کنترل زنان در این اجتماعات برمی‌دارد. شبکه همچنین دوره‌های پیاپی آموزشی برای مهارت‌رهبی فمینیستی برای زنان در جوامع مسلمان برگزار می‌کند.

تمرکز کنونی شبکه بر چهار موضوع است: بنیادگرایی و سیاست‌های هویتی، برقراری صلح و مقاومت در برابر آثار نظامی‌گری بر زندگی زنان، برقراری و حفظ برابری جنسیتی در قوانین به ویژه قانون خانواده، و در آخر تسلط زنان بر بدن و سکس‌والیته خود. خشونت علیه زنان، به عنوان یک تم مشترک در تمام پروژه‌ها و اقدامات شبکه مدنظر قرار می‌گیرد. انتشارات شبکه که اغلب به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و عربی است (و تعدادی نیز به زبان‌های محلی، حسب نیازمندی و درخواست فعالان منطقه‌ای) به صورت رایگان بر روی وب سایت در دسترس عموم است. اعضای شبکه نیز مطالب‌را به زبان‌های محلی خود ترجمه می‌کنند. نسخه کاغذی برخی از انتشارات برگزیده نیز به چاپ می‌رسد که تعدادی از آنها در سایت آمازون و تعدادی در دیگر فروشگاه‌های مجازی برای خرید موجود است.

عناوین برخی از تحقیقات، اقدامات، پروژه‌های آموزشی و ائتلاف‌ها برای حقوق بشر زنان

Collective Research for Action and Training Projects and Coalition for Women's Human Rights:

- ❖ Exchange programme: Women from various Muslim contexts came together and compared how women's legal and cultural rights and gender role have been practiced in different Muslim contexts (1988).
- ❖ Mothers of Algiers (1987-1993)
- ❖ Qur'anic interpretations meetings: women reading and interpreting Qur'an for themselves (1990-2004)
- ❖ Women and Law in the Muslim world programme (1991-2001)
- ❖ Women's Reproductive Rights (1993-1998)
- ❖ Vienna Tribunal Campaign (Women's Rights are Human Rights) (1991-1995)
- ❖ Feminism in the Muslim World Leadership Institutes (1998, 1999, 2007, 2009)
- ❖ Gender, Militarization and displacement in Muslim contexts (1999-2002)
- ❖ Initiative for democratizing Afghan Family Laws - INSAF (2002 - present)
- ❖ Dress Codes and Modes: Politics of Women's Clothing in Muslim Contexts (2003 - Present)
- ❖ The International Coalition on Women Human Rights Defenders,
<http://www.defendingwomen-defendingrights.org> (2005 - present)
- ❖ The Feminist Dialogue,
<http://www.defendingwomen-defendingrights.org> (2006 - present)
- ❖ The Global Campaign to Stop Killing and Stoning Women! (2007 - present)
- ❖ Women reclaiming and re-defining cultures: Asserting rights over body, self, and public spaces (2008-2011)
- ❖ Violence is not Our Culture campaign,
<http://violenceisnotourculture.org/> (2009 to present)
- ❖ Gender Equality Program (2008-present).
- ❖ Women's Empowerment and Leadership Development for Democratization (2012 to present)

- ❖ برنامه مبادله: طی نشست‌های زنانه از کشورهای مختلف مسلمانان به بحث و مقایسه برداشت‌های گوناگون از اسلام و حقوق زنان و نقش‌های جنسیتی در جوامع مختلف پرداختند (۱۹۸۸)
- ❖ مادران الجزایری: کمپین حق حضنت برای مادران در ازدواج‌های دو ملیتی (۱۹۹۳-۱۹۸۷)
- ❖ بررسی و تحلیل فمینیستی آیات قرآن (۲۰۰۴-۱۹۹۰)
- ❖ برنامه زنان و قوانین در جوامع مسلمان (۲۰۰۱-۱۹۹۱)
- ❖ حقوق باروری و حق کنترل بر بدن (۱۹۹۳-۱۹۹۸)
- ❖ کمپین تریبونال وین (حقوق زنان حقوق بشر است) (۱۹۹۵-۱۹۹۱)
- ❖ آموزش‌کنده رهبری فمینیستی در جوامع مسلمان (۲۰۰۹-۲۰۰۷-۱۹۹۹-۱۹۹۸)
- ❖ جنسیت، نظامی‌گری و پناهندگی در جوامع مسلمان (۲۰۰۲-۱۹۹۹)
- ❖ برنامه دموکراتیک سازی قانون خانواده در افغانستان (انصاف) (۲۰۰۲ تا کنون)
- ❖ قوانین و مقررات پوشش و مد: بررسی تاریخی سیاسی و اجتماعی پوشش زنان در جوامع مسلمان (۲۰۰۳ تا کنون)
- ❖ ائتلاف بین‌المللی برای دفاع از مدافعان حقوق بشر زنان (۲۰۰۵ تا کنون)
- ❖ <http://www.defendingwomen-defendingrights.org>
- ❖ گفت و گوی فمینیستی (۲۰۰۶ تا کنون)
- ❖ <http://www.defendingwomen-defendingrights.org>
- ❖ کمپین جهانی برای توقف قتل و سنگسار (۲۰۰۷ تا کنون)
- ❖ <http://stop-stoning.org/>
- ❖ بازخوانی و بازپس‌گیری فرهنگ توسط زنان: تصریح حق کنترل بر بدن (۲۰۰۸-۲۰۱۱)
- ❖ برنامه برابری جنسیتی (۲۰۰۸ تا کنون)
- ❖ کمپین خشونت فرهنگ ما نیست: (۲۰۰۹ تا کنون)
- ❖ <http://violenceisnotourculture.org/>
- ❖ توانمندسازی زنان و تقویت توان رهبری برای دموکراتیک

دیباچه

از برنامه زنان و قوانین در جوامع مسلمان تا مساوات جنبشی جهانی برای برقراری عدالت و برابری در خانواده‌های مسلمان

هدف کلیه تحقیقات، کنفرانس‌ها، دوره‌های آموزشی و انتشارات شبکه بین‌المللی زنان و قوانین در جوامع مسلمان (WLUML)، حمایت از تلاش زنان در راستای رسیدن به برابری و خودمختاری آنان و ارتقای حقوق انسانی آنان در سطح جهانی است. این شبکه همچنین سعی دارد که اطلاعاتی در مورد زندگی، مبارزات، و استراتژی‌های در پیش گرفته توسط زنانی که در جوامع مسلمان سکونت دارند جمع‌آوری کند تا این اطلاعات در قالب دانش و تجربیات جنبش‌های حمایت از حقوق زنان برای طیف وسیعی از خوانندگان در دسترس باشد. اطلاعاتی که می‌توانند کمکی برای فعالان اجتماعی برای ساختن جهانی با تساوی جنسیتی باشد. این شبکه امیدوار است که فضایی میان‌ملیتی و میان‌نسلی به وجود آورند که در آن تجارب، راهبردها، تحلیل‌ها و ابتکار عمل‌ها به اشتراک گذاشته شود.

اولین پروژه جامع شبکه بین‌المللی زنان و قوانین در جوامع مسلمان (WLUMML) سامان‌دهی یک برنامه تبادل بود در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷ هجری شمسی) که در آن ۳۰ زن از جوامع مسلمان با پیشینه‌های فرهنگی مختلف گرد هم آمدند تا به بررسی و مقایسه این موضوع بپردازند که چگونه اسلام، حقوق زنان و نقش‌های جنسیتی در جوامع آن‌ها، فهم و اجرا شده است. در ادامه هر کدام از این زنان مدت چند هفته را در کشوری غیر از کشور خودشان گذراندند تا روش‌های مختلف اعمال حقوق زنان در یک بستر خاص را تجربه کنند. هنگامی که این گروه ۳۰ نفره برای بار دوم گرد هم آمدند تا تجربیات خود را با هم به اشتراک گذارند، از این موضوع بسیار شگفت‌زده بودند که چگونه استقلال و حقوق زنان به روش‌های مختلف و به نام اسلام و دستورات قرآنی محدود شده است. در جمع‌بندی این برنامه تبادل نفرات، پیشنهاد شد که نشست بین‌المللی برگزار شود تا در آن خود زنان آیات قرآنی مرتبط را خوانده و تفسیر کنند.

شبکه بین‌المللی زنان و قوانین در جوامع مسلمان (WLUMML) نشست تفسیر فمینیستی و زن‌محوری از قرآن را در لاهور ترتیب داد. در این نشست ۶۰ زن مسلمان با پیشینه‌های فرهنگی مختلف گرد هم آمدند و با کمک تنی چند از متخصصان الهیات و خدانشناسی و دیگر متخصصان آیات قرآن با موضوع زنان را مطالعه کردند. روش‌های مختلفی که این آیات قرآنی در فرهنگ‌های مختلف فهم شده و به صورت قانون یا عرف درآمد بودند نه تنها بسیار متفاوت که در بعضی موارد با یکدیگر متناقض بود. در نهایت این تفاسیر همواره بسیار گزینشی بودند به گونه‌ای که تنها بر جنبه‌هایی از متون تأکید شده بود که می‌شد بر اساس آن حقوق زنان و آزادی آنان را محدود کرد و مواردی که بر برابری و آزادی و خودمختاری زنان تأکید می‌کند را نادیده گرفت. برای شرکت‌کنندگان روشن بود که تنها یک قانون ازدواج یا احوال‌شخصیه اسلامی وجود ندارد بلکه قوانین متعددی در این زمینه در کشورهای مختلف به نام اسلام وضع شده است. این باور نادرست که یک قانون الهی اسلامی وجود دارد دچار تزلزل شد. این نتیجه‌گیری بسیاری از زنان از جمله زنان مسلمان را قادر ساخت که احتمال وجود واقعیت دیگری را متصور شوند.

در اختتامیه این کنفرانس شرکت‌کنندگان پیشنهاد دادند که شبکه بین‌المللی زنان و قوانین در جوامع مسلمان (WLUML) یک تحقیق علمی جامع تدوین کند و در آن تمامی قوانین رسمی خانواده و احوال شخصیه که در کشورهای اسلامی در حال اجراست را گردآوری کند تا نشان دهد که چگونه این قوانین مختلف که به عنوان اسلام بنا نهاده شده‌اند در نهایت نه تنها ربطی به توصیه‌های الهی ندارند که ساخته‌های انسانی هستند. شبکه بین‌المللی زنان و قوانین در جوامع مسلمان (WLUML) برنامه‌ای برای پیگیری و اجرای این پروژه تحقیقاتی در سال ۱۹۹۱ (۱۳۷۰ شمسی) در کشورهای مختلف ترتیب داد. این برنامه پس از یک دوره دوهفته‌ای آموزش و تدوین متدولوژی برای آشنایی با مطالعه تطبیقی در دراکای بنگلادش و آغاز شد و همچنان در حال پیگیری است. در فاصله سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ (۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰) انجمن‌ها و گروه تحقیقاتی از ۲۸ کشور در این برنامه شرکت کردند و نتیجه این تحقیقات در قالب تعداد زیادی مقاله به زبان انگلیسی و دیگر زبان‌های محلی، کارگاه‌های آموزشی، کنفرانس‌ها و جلسات سیاست‌گذاری ارائه شده است. در کتاب مرجع بین‌المللی (international Hand book) با عنوان "حقوق خود را بشناسیم: زنان، خانواده، قوانین و عرف در جوامع مسلمان" (knowing Our Rights: women, family, laws and customs in the Muslim contexts) ترکیبی از نتایج مختلف تحقیقات منتشر شد. این مجموعه جنبه‌های مختلف این قوانین که ادعا می‌شود قوانین اسلام هستند از ازدواج و طلاق و حضانت فرزند تا حق خروج از منزل، سفر و اشتغال، سهم ارث و غیره مقایسه شده‌اند. در هر قسمت نمونه‌هایی از قوانین آورده شده است که در سه بخش طبقه بندی شده‌اند به صورت قوانینی که انتخاب‌های و حقوق بیشتر، متوسط، و کمتری به زنان می‌دهند. این تقسیم بندی به گروه‌هایی که خواستار اصلاح قانون خانواده هستند و همچنین سایر افراد کمک کند تا منتقدانی که بر آسمانی و الهی بودن قوانین خانواده و غیرقابل اصلاح و تغییر بودن آن تاکید می‌کنند را خلع سلاح کنند.

در حالی که اصلاح قانون احوال شخصیه در قرن ۲۰ مرکز فعالیت جنبش‌های حقوق زنان بوده است، دستاوردهای زنان در این زمینه محدود بوده است زیرا فعالیت آن‌ها به صورت متناوب با اتهام به چالش کشیدن قانون الهی سرکوب و خاموش شده است. این

تحقیق و مستندات گردآوری شده از برنامه زنان و قانون، به آن‌ها این قدرت را داد که با دانش بیشتر به مقابله با ادعای [مخالفتان] پرداخته و بر اصلاحات پافشاری کنند. به هر حال در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵ شمسی) به وضوح قابل مشاهده بود که اصلاحات اعمال شده در قوانین این جامعه و آن جامعه بسیار کند و محدود بوده و به راحتی قابل بازگشت به وضعیت قبل است. در این مرحله بود که انجمن خواهران در اسلام (Sisters In Islam) □ یک سازمان دفاع از حقوق زنان در مالزی □ ابتکار عمل را به دست گرفت و فعالان و محققان قانون احوال شخصیه در جوامع مسلمان را گرد هم آورده تا راهنمایی برای پیشبرد این اصلاحات در مقیاس جهانی فراهم کند. همچنین هدف دیگر آن به راه انداختن جنبشی بین‌ملتی بود که تجربیات زنان در بسترهای جوامع مسلمان مختلف و استراتژی‌های آن‌ها با هم به اشتراک گذاشته شود. این سازمان در ادامه از صاحب‌نظران و محققان در زمینه‌های مختلف و همچنین از اسلام‌شناسان دعوت کردند تا برای ایجاد و به اشتراک گذاشتن منابع تاریخی و فقهی با آگاهی جنسیتی □ به آن‌ها ملحق شوند و برای افسانه‌زدایی از این موضوع که برابری جنسیتی و حقوق بشر زنان اساساً با اسلام تناقض دارد، تلاش کنند. در ادامه این تلاش‌ها [گروه] مساوات فضایی به وجود آورد که در آن اشخاصی که علاقه‌مند به خواندن متون اسلامی با عینک زن‌محور بودند و کسانی که علاقه‌مند به برقراری ارتباط میان دیدگاه‌های مذهبی و سکولار بودند با هم همکاری کنند. به راستی این محققان در سال‌های اخیر با بازخوانی تاریخ، بررسی پرونده‌های دادگاه‌های اسلامی و بازنگری مجدد و زمینه‌شناسی متون مذهبی در برهه‌های مختلف تاریخی با دید جنسیتی، دانش وسیعی گردآوری کرده‌اند و مرزهای گفتمان برابری جنسیتی را به پیش رانده‌اند. این محققان توانستند مدافعان برابری جنسیتی و عدالت اجتماعی را به دانشی مجهز کنند که کسانی را که از مذهب به عنوان وسیله‌ای برای اعمال روش‌ها و دیدگاه‌های ضد زن خود استفاده می‌کنند به چالش بکشند.

با افزایش گرایش‌های محافظه‌کارانه و شیوع اسلام سیاسی که بر خلاف اهداف سیاسی تعریف شده‌اش ساختاری ضد زن دارد، ایده «مساوات» به عنوان فضا و جنبشی بین‌ملیتی مورد استقبال بسیاری از فعالان حقوق زنان، فمینیست‌ها و به طور کلی کسانی که دغدغه‌شان پیشرفت عمومی در احقاق حقوق زنان در بسیاری از جوامع مسلمان

بوده است قرار گرفت. بسیاری از فعالان شبکه بین المللی زنان و قوانین در جوامع مسلمان (WLUML) از این اقدام به عنوان ادامه منطقی برنامه زنان و قانون شبکه (WLUML) استقبال کردند. تعداد زیادی از این فعالان در معرفی مساوات از طریق نشست جهانی برای برابری و عدالت در خانواده در جوامع مسلمان در ۱۳ تا ۱۷ فوریه ۲۰۰۹ (۲۵ تا ۲۹ بهمن ۱۳۸۷) در کوالالمپور شرکت کردند.

با توجه به علاقه و استقبال فعالان ایرانی و افغانی در این فرایند، شبکه بین المللی زنان و قوانین در جوامع مسلمان (WLUML) بعضی از مقالات و مستندات را که برای برنامه مذکور تهیه شده بود به فارسی ترجمه کرده است تا آن را در دسترس خوانندگان فارسی / دری قرار دهد. از آن زمان ترجمه‌ها به صورت غیر رسمی در میان محققان و فعالانی که به موضوع علاقه‌مند هستند دست به دست شده است. به پیشنهاد فعالان فارسی / دری ما از آنجا که شبکه بین المللی زنان و قوانین در جوامع مسلمان (WLUML) یک وبسایت فعال به زبان فارسی / دری دارد، خوب است ترجمه فارسی این اسناد در این سایت قرار داده شود تا تعداد بیشتری از علاقه‌مندان به موضوع در سطح عموم مردم به آن دسترسی داشته باشند. امیدواریم مستندات مساوات و سایر مقالات منتشر شده ما که بر تحقیق روی قوانین خانواده و احوال شخصیه در ساختارهای مسلمان تمرکز دارد در تحقق بخشیدن به آرزوی احقاق حقوق زنان و برابری جنسیتی در ازدواج، خانواده، جامعه، اقتصاد و سیاست تأثیرگذار باشد.

هما هودفر

استاد مردم‌شناسی

دانشگاه کنکوردیا، مونترال

مدیر کمیته انتشارات

زنان و قوانین در جوامع مسلمان (WLUML)



musawah
For Equality in the Muslim Family

چشم‌انداز ، اصول کلیدی و اهداف مساوات

مساوات (در زبان عربی به معنای برابری) جنبشی جهانی برای برقراری عدالت و برابری در خانواده‌های مسلمان است. این سازمان در فوریه ۲۰۰۹ در یک نشست جهانی با حضور بیش از ۲۵۰ زن و مرد از ۵۰ کشور دنیا در کوالالامپور مالزی بنیاد نهاده شد. مساوات سازمانی فراگیر و کثرت گرا است که NGO ها، کنشگران، دانشگاهیان، سیاست‌گذاران، فعالان حقوقی و زنان فعال در عرصه‌های محلی را از سرتاسر جهان گرد هم آورده است.

ما در سازمان مساوات:

- ❖ معتقدیم که برابری و عدالت در خانواده‌های مسلمان، ضروری و ممکن است
- ❖ برابری درون خانواده زیربنا و پایه برابری در جامعه است. خانواده در همه اشکال آن باید فضایی امن و شاد داشته و به صورتی برابر همه اعضا را حمایت و توانمند کند.
- ❖ اینک در قرن ۲۱ دیگر تصور وجود عدالت بدون تحقق برابری غیرممکن است. هم اکنون زمان عدالت و برابری فرا رسیده است.

- ❖ مساوات بر مبنای یک قرن تلاش برای ترویج و حمایت از عدالت و برابری در خانواده‌های مسلمان بنا نهاده شده‌است.
- ❖ این جنبش به وسیله زنان مسلمانی رهبری می‌شود که آشکارا خواهان تحقق روح عدالت‌طلبانه اسلام برای همگان هستند.
- ❖ مساوات برای رشد جنبش با همه اشخاص حقیقی و حقوقی در زمینه توسعه دانایی و حمایت از تغییر در همه سطوح همکاری می‌کند.
- ❖ ما در چارچوبی جامع‌نگر به آموزش علوم اسلامی، حقوق بشر جهان‌شمول، تضمین برابری در قوانین اساسی و تجربه زیسته زنان و مردان در این جوامع نگریده و آنها را یکپارچه و مرتبط به هم می‌بینیم

چشم‌انداز ما

دنیايي که در آن برابری، عدم تبعیض، عدالت و شرافتمندی پایه همه روابط انسانی باشد

هدف نهایی ما

جنبشی جهانی برای عدالت و برابری در خانواده‌های مسلمان که وضعیت حقوق بشر زنانی که در جوامع مسلمان زندگی می‌کنند را هم در زندگی خصوصی و هم در زندگی اجتماعی آنها ارتقا بخشد

اهداف جاری ما

۱- ایجاد و اشاعه منابع آگاهی که از برابری و عدالت در خانواده‌های مسلمان حمایت کرده و با رویکردی جامع‌نگر بتوانند اصول و فقه اسلامی، معیارهای بین‌المللی حقوق بشر و قوانین ملی و اساسی تضمین‌کننده برابری و عدم تبعیض و نهایتاً تجربه زیسته زنان و مردان را با هم همراه و هم‌ساز کنند.

چشم‌انداز، اصول کلیدی و اهداف مساوات

۲- ایجاد شبکه پشتیبانی انبوهی از سازمان‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی که حامی و مبلغ و استفاده‌کننده از «چهارچوب عمل» مساوات بوده و توانمندسازی آنها برای ایفای نقشی فعال در گفتمان عمومی اسلام و حقوق زنان

۳- پشتیبانی از پیاده‌سازی روال‌های اجرای حقوق بشر و نیز حمایت از افراد و سازمان‌ها برای استفاده از این روال‌ها در همه سطوح محلی، ملی و بین‌المللی با هدف ارتقای عدالت و برابری در خانواده‌های مسلمان

اصول کلیدی ما

خانواده‌ها دارای پیچیدگی و تنوع هستند. با این حال برخی اصول مشترک و اساسی هستند که برای حصول برابری می‌شود بر روی آنها به توافق رسید. ما اکیدا از دولت‌ها، رهبران سیاسی، نهادهای بین‌المللی، هبران مذهبی و همه خواهران و برادرانمان می‌خواهیم که برای تحقق این اصول به یاری ما بیایند:

برابری، رفع تبعیض، عدالت و شرافتمندی به عنوان مبنای همه روابط انسانی

حقوق شهروندی کامل و یکسان برای همه

ازدواج و روابط خانوادگی بر مبنای اصول برابری و عدالت

تحقق اصول فوق متضمن وجود قوانین، سیاست‌ها و رویه‌های اجرایی است که موارد زیر را تضمین کند:

خانواده جایی است که امنیت، آرامش، حمایت و رشد شخصی را برای همه اعضا فراهم بی‌آورد.

ازدواج رابطه میان دو طرف برابر است بر اساس احترام و محبت متقابل همراه با ارتباط و تصمیم‌گیری دو جانبه

حق یکسان در انتخاب همسر یا ازدواج نکردن، و حق ورود به رابطه ازدواج صرفاً با انتخاب کامل و آزادانه فردی، همچنین حق برابر در پایان رابطه و طلاق و نیز حق داشتن شرایط برابر در هنگام طلاق

حقوق و مسئولیت برابر در خصوص دارایی‌ها اعم از تامین، مالکیت، بهره‌برداری، سرپرستی و اداره، جابجایی و انتقال و توارث حقوق و مسئولیت برابر در ایفای مسئولیت والدینی در خصوص فرزندان

درباره نویسنده

دکتر امینا ودود (Amina Wadud) استاد و مشاور در زمینه اسلام و جنسیت در مرکز بین المللی برای اسلام و تکثر گرایی (پلورالیسم) در چندین دانشگاه از جمله در دانشگاههای اندونزی و کالیفرنیا آمریکا میباشد. ایشان قبل از بازنشستگی داوطلبانه خود، به سمت استاد تمامی در دانشگاه مشترک



المنافع ویرجینیا در ریچموند واقع در ایالت ویرجینیا در آمریکا نائل آمد. او نویسنده کتب متعددی از قبیل **داخل جهاد جنسیتی** - Inside the Gender Jihad (Gender Jihad, Oneworld Publisher, 2006)، و **قرآن و زن** از انتشارات دانشگاه آکسفورد، انتشارات دانشگاه آکسفورد - (Qur'an and Woman Oxford University Press, 1999) میباشد که در حال حاضر به هفت زبان ترجمه و در دسترس میباشد. - ، دکتر ودود از پایه گزاران اساس فمینیستی مذهبی و و یکی از اعضای اصلی سازمان فمینیستی خواهران در اسلام (Sisters in Islam) در مالزی می باشد بوده است. او همواره، در پژوهش های دانشگاهی و کنش های اجتماعی اسلام مترقی و معنویت را در هم می آمیزد. او در سال ۱۹۹۴ در اقدامی کم نظیر خطابه و اقامه نماز جمعه را در مسجدی در آفریقای جنوبی برای مردان و زنان برگزار کرد.

دکتر ودود در پاییز سال ۲۰۰۹، تدریس *اسلام، جنسیت و حقوق بشر* را در مرکز مطالعات فرهنگی و مذهبی در دانشگاه گاجا مادا (Gadjah Mada)، در جاکارتا بر عهده داشت. در بهار سال بعد (۲۰۱۰) او در یک کارگاه آموزشی فشرده در دانشگاه ملبورن در استرالیا تدریس کرد. او همچنان به سفرهای گسترده خود و ارائه مشاوره در حوزه های مربوط به اسلام و تکثیر گرای (پلورالیسم) میپردازد و به عنوان یک متخصص در حوزه باور های اسلامی و برابری جنسیتی شناخته شده است. او در حال حاضر به تحقیق در زمینه تولید دانش و جنسیت در اسلام می پردازد.

اسلام فراسوی پدرسالاری^۱ از رهگذر تحلیل قرآنی جنسیت شمول

امنیہ ودود
ترجمہ: فاطمہ صادقی

¹ Amina Wadud. 2009. "Islam Beyond Patriarchy Through Gender Inclusive Qur'anic Analysis" Musawa: Musawah: A Global Movement for Equality and Justice in the Muslim Family

امینه ودود که یکی از پیشگامان قرائت متون اسلامی از منظر زنان است، بر اساس تحلیل‌های خود از داستان آفرینش ساختار سلسله مراتبی مناسبات جنسیتی را نمونه‌ای از نقض خلیفه‌اللهی انسان بر روی زمین که خداوند به تساوی در وجود زن و مرد گذاشته است می‌داند. او این طور استدلال می‌کند که در روایات متعدد از داستان آفرینش در قرآن، تمام انسان‌ها چه زن و چه مرد، به عنوان خلیفه [خدا] بر روی زمین خلق شده‌اند و خلقت به صورت زوج‌های نر و ماده صورت گرفته است. مردان بر اساس ادعای مردسالارانه در ابتدا آفریده نشده و اولین مخلوق به شمار نمی‌آیند. پدرسالاری بر مبنای ایده ساختار سلسله مراتبی شکل گرفته است. خدا در رأس است، مرد و تفکرات مردانه در مرتبه بعد و زنان در قعر هستند. این طرز فکر ارتباط مستقیم انسان با خدا را نقض می‌کند. به هر حال بر اساس آیات قرآنی هیچ فردی بر دیگری برتری ندارد زیرا خدا فوق همه است و به صورت مستقیم با هر نماینده خود در ارتباط است. ارتباط بین انسان‌ها به صورت بده بستان در قالب ارتباط متقابل، مسئولیت متقابل و سود متقابل تعریف شده است. ارتباط با سایر افراد به هر صورت دیگری نقض اصل توحید در دین و مفهوم حقوق بشر در چارچوب توحیدی است.

مقدمه

برای این که اسلام را فراسوی پدرسالاری ملاحظه کنیم، من مستقیماً توجه را معطوف به قرآن و [حدیث] پیامبر، به مثابه دو منبع اصلی اندیشه و رفتار اسلامی می‌کنم. ابتدا با چند نقل قول مناسب شروع می‌کنم که با توضیحاتی درباره این موضوع پی گرفته خواهند شد که چگونه ما را در رسیدن به هدف برابری و عدالت در رسوم و قوانین اسلامی خانواده کمک می‌کنند.

قرآن و سنت همچون منابع اصلی درک شریعت و تکوین فقه اسلامی در نظر گرفته شده‌اند. اندیشمندان اسلامی که عواملی انسانی بودند، فقه را به عنوان زمینه مطالعه همه جنبه‌ای که بتواند به جوامع اسلامی کمک کند عدل و انصاف بیشتری داشته باشند، به وجود آوردند. ما نیز مانند آنها باید با در نظر گرفتن تجارب و واقعیات کنونی، خود را وارد فرایند ایجاد جوامعی استوار بر عدل و انصاف کنیم. این تجارب و واقعیات جدید شامل

چشم‌انداز، اصول کلیدی و اهداف مساوات

اندیشه‌های مربوط به عدالت و نقش‌های ارزشمندی نیز می‌شود که زنان به عنوان فرد، به عنوان اعضای خانواده و به عنوان خادم مردم در جامعه مدنی اسلامی ایفا می‌کنند. مهم‌ترین نکته این باور است که اسلام دین عدل و انصاف است.

فقه نیز به عنوان یک ساخت مدنی، از منابع پیچیده ثانویه‌ای همچون قیاس و اجماع برخوردار است. گرچه مهم است که اهمیت این منابع را در نظر بگیریم، من نه بر صورت‌بندی قوانین موضوعه که بر ظرایف اخلاقی عقلانیت فقهی، به‌ویژه در خصوص اصلاح (رفورم) متمرکز خواهیم شد. روابط نزدیک و تعیین‌کننده‌ای بین اخلاق، فرایند اصلاح و متون مقدس (نصوص) وجود دارد. توضیحات من بر تئوری اخلاقی مرتبط با عمل و بر ایده‌های مربوط به رابطه بین هر فرد و خداوند و همچنین روابط بین اجتماعات مسلمان متمرکز خواهند بود. فرض من بر این است که قرآن کلام خدا است که بر محمد پیامبر وحی شده است.

۱. برابری در خلقت، آخرت و زندگی در فاصله این دو

مطابق آنچه که در قرآن آمده، تکوین انسان داری سه مرحله مهم است: خلقت، آخرت و زندگی در فاصله میان این دو. آنچه که در مورد اصلاحات توجه ما را بیشتر به خود جلب می‌کند نحوه زندگی در فاصله خلقت و آخرت یا *عالم/الشهاده* است. اما مهم است که چارچوبی مبتنی بر دو قلمرو دیگر یا *عالم/الغیب* فراهم آید، زیرا قرآن بر رابطه بین این دو قلمرو (*دو عالم*) تأکید دارد.

آنچه که انتظار می‌رود نوع انسان در اینجا، در دنیا، انجام دهد به اعتقادات ما درباره ذات خداوند، آفرینش و سرانجام نهایی اعمال ما در آخرت و به همین سیاق به آنچه که ما آن را سرشت انسانی می‌دانیم، وابسته است.

الف) خلقت

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا
وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً

ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را انیز
[از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد پروا دارید (ساء
(۱) ،

در این آیه خلقت انسان از «نفس واحده» و «زوجه» آغاز می‌شود و سرانجام به تمام
نوع انسان (رجالاً کثیراً و النساء) می‌رسد. این بدان معناست که تکثر جزئی از تمهید
قرآنی یا تدبیر الهی است. اهمیت ایده تکثر بیشتر از هر دوره‌ای به عصر کنونی تاریخ
بشری مرتبط است چراکه جهان به روشنی به واسطه فن‌آوری و علم درهم‌تنیده است.
اعتبار زندگی یک انسان مسلماً بر زندگی دیگر انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. بنابراین باید به
شیوهایی بیندیشیم و عمل کنیم که نشان‌دهنده آگاهی‌مان از ارتباط درونی بین همه
انسان‌ها و خلقت به مثابه یک کل باشد. انتخاب‌هایی که از باب نمونه درباره مورد
تسلیحات هسته‌ای، ذخائر نفتی، راه شناخت و حفظ خانواده به عمل می‌آوریم، و یا نوع
درک ما از این که انسان بودن یا رسیدن به فضیلت انسانی به چه معناست، همه بر
دیگران، زن یا مرد، مسلمان یا غیر مسلمان، تأثیر می‌گذارد. اساس اندیشه تکثرگرایی
بخشی از جهان‌بینی اسلامی است. شیوه‌هایی که در پیش می‌گیریم تا جوامع، قوانین و
فرهنگ‌های اسلامی از طریق قرآن را تغییر دهیم پیش‌تر در قرآن در برابر واقعیت جهانی
پیچیده‌تری به این صورت پیش‌گویی شده است:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا
إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

ای مردم ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله
گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت

ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی‌تردید خداوند دانای آگاه است (حجرات، ۱۳)

چگونه جهانی اینچنین درهم‌تنیده می‌تواند «تعالی» را حفظ کند و در «حضیض ذلت» فرو نیفتد (تین، ۴-۵). تقوی اصلاح کلیدی قرآنی برای آن کمال اخلاقی است که در سوره حجرات آیه ۱۳ توصیف شده است. این آیه ابتدا به صراحت، به مرد و زن هردو به عنوان بخشی از طرح خلقت اشاره می‌کند. خدا ما را این‌گونه آفریده است: از هر چیزی زوجی آفریدیم (من کل شیء خلقنا ذوجین) نری و ماده‌ای (ذکر و انثی) (زاریات ۴۹، نجم ۴۵، قیامه ۳۹)

این کیهان‌شناسی خلقت زوجی در بردارنده نتیجه منطقی مهمی در تمام جنبه‌های تعامل انسانی و در اجتماعات انسانی است. بنابراین در هر سطحی از جامعه، از خصوصی‌ترین عرصه (در خانواده) گرفته تا عرصه عمومی حکومت و سیاست‌گذاری عمومی، باید تعادل برقرار شود. پس مرد و زن هردو در تدوین قوانین و سیاست‌ها باید مسئول شناخته شوند و به یکسان در عدالتی که در ذات آن قوانین و سیاست‌هاست ذی‌نفع باشند. نکته آخر این که مفهوم تکثر بازم در این آیه با کلمات «ملت و قبیله» که وجودشان «برای شناختن یکدیگر» است، تکرار شده است. صورت فعلی که اینجا به کار رفته است، تَعَارَفُوا، صورتی دوجانبه است که به معاوضه، یا عمل متقابل بین خود و دیگران، راه می‌برد. جلوتر به این اصطلاح معاوضه خواهم پرداخت. معیار نهایی برای قضاوت بین موجودات انسانی تقوی یا نوع خاصی از کمال اخلاقی در انسان‌های بالغ است.

ما به عنوان عوامل انسانی بالغ و مسئول قادر هستیم بین خوبی و شر و ظلم یکی را برگزینیم. این بخشی از اراده آزاد انسانی است. ما می‌توانیم این اراده آزاد را به هر شکلی که بخواهیم به کار گیریم. اما اگرچه ما در اعمال این اراده به هر شیوه‌ای که بخواهیم، کاملاً آزادیم، قضاوت درباره نحوه اعمال این اراده با ما نیست بلکه با خداست. خدا داور نهایی است. خدا بر هر آنچه که در عرصه عمومی و یا در عرصه خصوصی مثلاً در خانه، رخ می‌دهد بصیر و آگاه است. بنابراین این دو عرصه تعامل انسانی مستلزم دو

نوع رفتار متفاوت نیست. **اهمیت رفتار منصفانه و عادلانه در حوزه عمومی نه بیشتر و نه کمتر از رفتار منصفانه و عادلانه در درون خانه است.** هر دو حوزه از ما تعالی اخلاقی یا تقوی را طلب می کنند.

بدیهی است که تکوین قوانین عادلانه و منصفانه مستلزم تعادلی موزون بین فضاهای^۲ عمومی و خصوصی، بین زن و مرد و به همین ترتیب بین مسئولیت و منافع است. نمونه‌ای از عدم تعادل یا بی‌عدالتی که امروزه معمول است، این است که زنان مسلمان نوعی دوگانگی را در نقش خود در رابطه با قانون تجربه می کنند. قانون آنها را افرادی اخلاقاً مسئول در نظر می گیرد، بی آنکه به تناسب آن در تدوین قانون نقشی داشته باشند. قرآن معیار نهایی قضاوت درباره ارزش همه انسان‌ها را تقوی دانسته است، اما زنان غالباً از نظر اجتماعی مقید به آن اند که تقوای خود را با تبعیت و سکوت نشان دهند، درحالی که مردان تشویق می شوند که تقوای خود را با فعالیت اجتماعی، کمک فکری و تدوین قوانین نشان دهند. یکی از ساده‌ترین راه‌های اصلاح قانون در راستای اخلاق قرآنی می تواند تقویت مشارکت فعال و برابر زنان و مردان، به ویژه در اصلاحات قانونی و سیاست باشد تا آنان به شیوه‌ای برابر بتوانند تقوای خود را نشان دهند.

اینجا به نکته دیگری درباره قرآن و خلقت انسان اشاره می کنم. وقتی قرآن می گوید «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره، ۳۰)، درمی یابیم که تقدیر نوع انسان این است که سرنوشتش را همینجا بر روی زمین (فِي الْأَرْضِ) رقم زند. راه رقم خوردن سرنوشت‌مان در این دنیا این است که خلیفه یا کارگزاری اخلاقی باشیم. نوع انسان برای آن آفریده شده است که کارگزاری اخلاقی باشد. در این حکم الهی هیچ تمایزی بین مرد و زن وجود ندارد. بنابراین هر کدام از ما مسئول اعمال خود در زندگی شناخته شده‌ایم. مهم‌تر آنکه ما به مثابه خلیفه (کارگزار اخلاقی) امین خداوند در تحقق اراده او بر روی زمین هستیم. انتخاب انجام اعمال نیک و برپاداشتن عدالت بخشی از وظایف خلیفه است. بهترین شکل انجام این مأموریت داشتن تقوی و این آگاهی است که اگرچه در انتخاب نوع رفتارمان

^۲نویسنده در سراسر متن به تسامح عرصه عمومی و فضای عمومی را هم معنا و معادل یکدیگر به کار می برد. این خلط به ناچار به ترجمه نیز سرایت کرده است. ویراستار متن.

آزاد هستیم اما متمایل به آنیم که انتخابمان در تبعیت از اراده‌ی خداوند باشد چرا که این بهترین انتخاب است. این انتخابی است که به نوع انسان کمک می‌کند سرنوشتش را به عنوان خلیفه رقم زند. برای نشان دادن تقوای‌مان و انجام مأموریت‌مان باید عدالت را در همین جهان برپا داریم. عدالت بر روی زمین به معنای استقرار روابط انسانی عادلانه است.

ب) آخرت

درباره‌ی آخرت تنها به دو آیه رجوع می‌کنم، چراکه قرآن پیاپی مرد و زن هر دو را اخلاقاً مسئول دانسته و آنها را بر اساس ایمان، اعمال و نیت‌شان به پاداش و عذاب وعده داده است. این اعمال خواه به شکل فردی باشند یا در خانواده، در اجتماع و یا در جهان پهناور تفاوتی ندارد. مثلاً:

وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ

و هر که کار شایسته کند چه مرد باشد یا زن در حالی که ایمان داشته باشد در نتیجه آنان داخل بهشت می‌شوند (غافر، ۴۰)

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

و بترسید از روزی که هیچ کس چیزی [از عذاب خدا] را از کسی دفع نمی‌کند و نه از او شفاعتی پذیرفته و نه به جای وی بدلی گرفته می‌شود و نه یاری خواهند شد (بقره، ۴۸)

این آیه‌های قرآنی به روشنی بر مسئولیت اخلاقی و مشخصاً بر پاداش یا عذاب برای مرد و زن هر دو تأکید دارند. هیچ نفسی قادر نخواهد بود از کسی کمکی بگیرد یا به به خاطر دیگری فضیلتی از دست بدهد. قضاوت تنها بر حسب ایمان افراد و اعمالی است که بر روی زمین، به پیروی از ایمان‌شان، نسبت به یکدیگر و نسبت به کل نوع بشر انجام داده‌اند.

۲. چالش با پدرسالاری از مشارکت^۳

پدرسالاری کهن‌تر از تاریخ اسلام و زندگی محمد پیامبر است. اسلام نیز مانند دیگر مذاهب هنجارهای پدرسالار موجود را مورد عنایت قرار داده و آنها را مسلم فرض کرده است. اما قرآن مسیر حرکت مؤمن را به عنوان شخص و عضوی از نظم اجتماعی عادلانه فراسوی پدرسالاری، نشان داده است. بنابراین می‌توانیم بپرسیم آیا مسلمانان چنین مسیری را در پیش گرفته‌اند یا خیر. بعد از نزول وحی بر پیامبر اسلام، اندیشمندان مسلمان و اعضای جوامع اسلامی تا چه حد از نظر تاریخی و فکری و نیز در اجتماع و فعالیت‌های فرهنگی از پدرسالاری فاصله گرفته‌اند؟ آیا مسلمانان در تحقق برابری جنسیتی به آن میزان که مسیر قرآنی مقرر داشته، موفق بوده‌اند؟

امروزه ما با تعهدی دوگانه مواجه‌ایم. باید از درون به موقعیت فرودست زنان در قوانین و در فرهنگ‌ها، کشورها و اجتماعات مسلمان بپردازیم، در عین حال باید باورهایی را به چالش بکشیم که از بیرون فرهنگ‌های اسلامی و اسلام را فاقد صلاحیت مشارکت کامل درپلورالیسم جهانی و جهان‌گرایی و تحقق مقتضیات دموکراسی و حقوق بشر می‌دانند. نه تنها قابلیت ما بیش از این‌ها است، بلکه می‌توانیم از درون چارچوب اسلامی این مسائل را مورد بحث قرار دهیم. در این مسیر قادر خواهیم بود بر پدرسالاری غلبه کنیم و به سوی باورها و رویه‌های عدالت طلبانه‌تری در جامعه مدنی اسلامی حرکت کنیم، خواه در چارچوب دولت‌هایی با اکثریت مسلمان و خواه در اقلیت‌های مسلمان مهاجر شمال آمریکا و اروپا باشد.

فریتسیوف کاپرا در کتاب خود «شبکه زندگی: درک جدید علمی از نظام‌های زندگی» تغییر پارادایمی را توضیح می‌دهد که تقریباً از ۱۰۰ سال پیش آغاز شده و از منظر غلبه بر ایده‌های ریشه‌دار پدرسالار درباره نابرابری زنان [و مردان] حائز اهمیت است. این تغییر پارادایم شماری ایده و ارزش‌های استوار را در بر می‌گیرد که از جمله

^۳. reciprocity

آنها این باور است که جامعه‌ای که در آن زنان همه جا در ردهٔ مردان قرار دارند، جامعه‌ای است که از قانون پایه‌ای طبیعت پیروی می‌کند.^۴ در پاسخ به پارادایم دیرپای پدرسالاری، درک جدیدی ظهور کرده است که در آن شراکت جای سلطه را گرفته است. چنین شراکتی در پدرسالاری سابق وجود نداشت، حال چه از سوی مسلمانان اعمال شده باشد چه از سوی غیر مسلمانان.

پدرسالاری امری دو وجهی است. پدرسالاری هم درگیرندهٔ ایده و هم رویهٔ سلطهٔ آشکار در عرصه‌های خصوصی و عمومی است. پدرسالاری تنها مربوط به مردان نیست، بلکه به برتری دائمی یک شیوهٔ انجام عمل، یک شیوهٔ بودن و یک شیوهٔ دانستن باز می‌گردد. این شیوهٔ دانستن از باورهایی دربارهٔ چگونگی اداره شدن فضای عمومی ریشه گرفته است که کاملاً بر شیوهٔ عمل مردان در آن فضا و این درک عام مبتنی‌اند که فضای عمومی اهمیت بیشتری نسبت به فضای خصوصی دارد. اما براساس ملاحظات که بالاتر به آنها اشاره شد، ملزومات تقوی یا فضیلت اخلاقی در عرصهٔ خصوصی و عمومی یکسان‌اند. معیارهای دوگانه‌ای وجود ندارد که بر مبنای آنها زنان از مشارکت برابر در عرصهٔ عمومی منع شده باشند یا مشارکت در عرصهٔ عمومی تنها مختص مشارکت مردان باشد. به همین سیاق مردان هم از مشارکت برابر در فضای خصوصی منع نشده‌اند بلکه به واسطهٔ سهیم شدنشان در آن به یکسان پاداش می‌گیرند. پاسخ به پدرسالاری این نیست که زنان باید بر مردان حکومت کنند و نیز این نیست که زنان باید همان کارهایی را انجام دهند که مردان انجام می‌دادند، بلکه آن است که از سلطه به سمت شراکت حرکت کنیم. بنابراین راه‌حل پدرسالاری را به بهترین وجه باید در معاوضه یا ارتباط متقابل^۵ فهمید.

^۴. Capra (1996: 6).

^۵. reciprocity

ارتباط متقابل ارزش اخلاقی بنیادینی در مذاهب، فرهنگ‌ها و فلسفه‌های مختلف است که «قاعده طلایی»^۷ «نمونه گویای آن است. این قاعده اصل اخلاقی جهان‌شمولی است که حق قضاوت عادلانه و مسئولیت انصاف در قبال دیگران را به وضوح بیان می‌کند. آموزه‌های اسلام منابع و مثال‌های زیادی درباره اخلاق ارتباط متقابل یا معاوضه ارائه داده‌اند.^۸

معاوضه از ریشه واو، عین، ضاد^۹ می‌آید. عوضه یک اصطلاح فقهی است که دال بر مسئولیت یا جایگزینی متقابل است (ریشه‌های این اصطلاح بر اساس فرهنگ جدید عربی هانس ور)، اصطلاح معاوضه در متون اسلامی برای ارجاع به معاملات مالی به کار می‌رود.

در این مقاله من معاوضه را روابط متقابل بین افراد تعریف کرده‌ام. معاوضه متشکل از دو عنصر است (۱) آگاهی متقابل از یکدیگر (همان چیزی که قرآن در سوره الحجرات

^۷ منظور نویسنده در اینجا اشاره به قاعده کانتی است که کانت آن را «قاعده طلایی» می‌نامد و چنین صورتبندی می‌کند: «چنان عمل کن که گویی عمل تو یک قاعده عام است.» صورتبندی رایج‌تر آن همچنانکه نویسنده توضیح می‌دهد، چنین است: «هر آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران هم مپسند.» ویراستار.

^۷. Küng (2007).

کنفسیوس اولین کسی بود که قاعده طلایی رابطه مبتنی بر ارتباط متقابل را تنظیم کرد: «چیزی را که برای خود نمی‌پسندی هرگز بر دیگران تحمیل مکن.» با گسترش فرهنگ چینی مفهوم رن (ren) و قاعده طلایی در مناطق تحت نفوذ چین که از آسیای میانه تا تایوان و از کره تا سنگاپور را دربر می‌گرفت، گسترش یافت.

قاعده طلایی در فرهنگ هندی هم دیده می‌شود. در جایسیسم گفته می‌شود: «یک مرد باید با همه مخلوقات طوری رفتار کند که با خود رفتار می‌کند.» در بودیسم گفته می‌شود: «وضعیتی که برای من خوب و خوشایند نیست باید برای او نیز چنین باشد؛ و چگونه می‌توانم وضعیتی را که برای من خوب و خوشایند نیست بر دیگران تحمیل کنم؟» در هندوئیسم همچنین آمده است: «فرد نباید رفتاری را بر دیگران روا بدارد که بر خودش روا نمی‌بیند. این جوهر اخلاق است.»

«قاعده طلایی» را البته می‌توان در مذاهب ابراهیمی هم دید. رابی هیلل (Rabbi Hillel 60 B.C.) می‌گوید: «کاری را به زبان توست بر دیگران روا مدار.» مسیح این قاعده را به شکل قاطع‌تری بیان می‌کند: «در هر امری با دیگران به گونه‌ای رفتار کن که دوست داری با تو آنگونه رفتار کنند.» اسلام نیز بیان مشله‌ی دارد: «مؤمن نیستید اگر آنچه را که برای خود آرزو دارید برای برادران هم آرزو نکنید.»

برای اطلاعات بیشتری درباره «قاعده طلایی رابطه متقابل» در مذاهب به آدرس اینترنتی زیر رجوع کنید. <http://www.religioustolerance.org/reciproc.htm>.

^۸ «مؤمن نیستید اگر آنچه را که برای خود آرزو می‌کنید برای برادران هم آرزو نکنید» (از چهل حدیث النوای). «وای بر کم‌فروشان. که چون از مردم پیمانانه ستانند تمام ستانند. و چون برای آنان پیمانها با وزن کنند به ایشان کم دهند» (مطفین ۳-۱)

^۹ نویسنده متن دچار اشتباه شده است. ریشه معاوضه عین، واو، ضاد است و ویراستار.

آیه ۱۳ با عبارت *تعارفوا* به آن اشاره می‌کند) و ۲) حمایت متقابل از دیگران به مثابه افراد، در خانواده و کلاً در اجتماع. اجتماع هم منحصرأً به اجتماعات محلی خلاصه نمی‌شود بلکه کل مسلمین (امت) و همین طور کل زمین (ارض) را در بر می‌گیرد. ما مسئول تأثیرات تمام اعمال خود بر مسلمان و نیز غیر مسلمان هستیم. این ایده پلورالیستی بر مسئولیت اخلاقی خود بر همهٔ اعمال‌مان در قبال نوع انسان تأکید دارد و در ذیل اصطلاح شرعی معاملات قرار می‌گیرد که عبارت از کنش‌های اجتماعی یا اعمالی است که منعکس‌کنندهٔ عدالت اجتماعی‌اند. این اصطلاح در سطوح عمیق‌ترِ خوب‌شدن‌نگری شخصی (محاسبه) نیز به معنای به حساب آوردن تأثیرات اعمال فرد بر دیگران است. همان‌طور که در روایت قرآنی آفرینش انسان نشان داده شده است، پدرسالاری به این دلیل نوعی شرک (سریچی کامل از توحید الهی) است که از اعتقاد شیطانی استکبار (یکی را برتر از دیگران دانستن) ریشه گرفته است.

در سورة اعراف آمده است که ابلیس از سر فرود آوردن در مقابل اولین نفس انسانی (آدم) سر باز زد. او گفت: «أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ» (من از او برترم. مرا از آتش (بی دود) آفریدی و او را از گل) (اعراف، ۱۲). این نگرش/استکبار است (برتر دانستن خود بر دیگری به جای پیروی از خدا و تأیید لزوم به‌هم‌پیوستگی همه انسان‌ها). استکبار به تمام اعمال و نظام‌های سرکوب‌گر، شامل جهان‌نگری تاریخی پدرسالار، راه می‌برد. منش استکباری پدرسالار از این باور ریشه می‌گیرد که هر کاری که مردان انجام می‌دهند، هرچه باشد، بهتر از کاری است که زنان انجام می‌دهند. تداوم این منطق پدرسالار به این باور منتج می‌شود که مردان کارهای خاصی را بهتر از زنان انجام می‌دهند و زنان نیز در انجام امور خاصی از مردان بهتر عمل می‌کنند، اما این کارها معمولاً جدا از هم و «مکمل» یکدیگرند و به هم پیوسته نیستند. این باور که مردان برتر اند، زنان را به موقعیتی فرودست تقلیل می‌دهد.

بسیاری از مردم - زنان و مردان - غالباً به گونه‌ای فرهنگ‌پذیر شده‌اند که باور نادرست برتری مردان را می‌پذیرند و بنابراین به جای این که برابری را اساس خلقت، آخرت و تمام زندگی خود در فاصلهٔ این دو بدانند، آن را نادیده می‌گیرند. در واقع تاریخ

طولانی رویه‌های مسلمانان بر یک معیار دوگانه استوار بوده است. معیاری خاص رفتار مردان اعمال شده و معیار دیگری نیز که زنان را در موقعیتی فرودست می‌پندارد بر رفتار زنان اعمال شده است.

برای فراتر رفتن از این نگرش‌ها و ساختارهای نابرابر ناگزیریم به سوی اصلاحاتی گام برداریم که برابری در اهمیت خلقت زنان، شیوه‌های اندیشیدن و بودن آنان، و برابری مسئولیت‌شان در قضاوت را به رسمیت بشناسد. می‌توانیم این امر را با استقرار نظام عدالت اجتماعی‌ای به انجام برسانیم که معاوضه، روابط ارتباط متقابل و برابری بین زنان و مردان را ساری می‌کند. چنین نظامی زنان و مردان را به مثابه مشارکت‌کنندگان شایسته هر دو عرصه عمومی و خصوصی فعالیت به رسمیت می‌شناسد. این نظام زنان و مردان را به بهتر انجام دادن کارهایشان تشویق می‌کند و آنها را تنها به حضور در یک عرصه محدود نمی‌سازد. این امر مردم را ترغیب می‌کند که به جای اعمال محدودیت‌های زاید مبتنی بر نقش‌های جنسیتی بر یکدیگر، ایمان داشته باشند و در همه عرصه‌ها کارهای نیک انجام دهند. در این راه شایستگی‌های مضاعف اشخاصی که این اعمال نیک را انجام داده‌اند، می‌تواند بیشتر از جنسیت‌شان مورد تأکید باشد. پایه‌های این روابط متقابل در اسلام، ذیل دستورالعمل تقوی، جایگاهی محوری دارند.

۳. فراسوی پدرسالاری و به سوی اصلاحات جنسیتی

طریق حرکت به فراسوی پدرسالاری دو وجه دارد: تقوی در سطح فردی و توحید در سطح عمل اجتماعی و دستورالعمل‌های حقوقی فقه. اینجا نیز منبع الهام این حرکت می‌تواند آن خصال قرآنی‌ای باشد که در حدیث محمد پیامبر نیز اصولی محوری‌اند. این متون (نصوص)، به ویژه آن اشاراتی که زنان و مردان را برابر دانسته‌اند، سرچشمه‌ای برای مفهوم برابری به عنوان عنصر اساسی روابط و قوانین اسلامی خانواده، فراهم می‌آورند. این‌ها ستون‌هایی هستند که با ملاحظه دیدگاه اسلامی، اصول حقوق بشر و واقعیات زیسته زنان، می‌شود ضرورت و امکان اصلاح قانون خانواده موجود را بر آنها بنا کرد.

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ
وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ
وَالْمُتَّصِدِّقِينَ وَالْمُتَّصِدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ
وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عبادت‌پیشه
و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبا و مردان و زنان فروتن و
مردان و زنان صدقه‌دهنده و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان پاکدامن
و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند خدا برای [همه] آنان
آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است (احزاب، ۳۵)

این آیه قرآن چارچوب روشنی برای روابط و مسئولیت‌های برابر، دوجانبه و اخلاقی
زنان و مردان قرار داده است. زندگی در فاصله میان خلقت و آخرت مستلزم وظایف و
مسئولیت‌های متقابل و همچنین معاوضه (ارتباط متقابل) در اندیشه و عمل زنان و مردان
است. قرآن به عنوان متنی تاریخی در بستر پدرسالار و بی‌قانون عربستان قرن هفتم
[میلادی] نازل شد. قرآن در تلاش برای اصلاح جامعه، به نابسامانی‌های اجتماعی،
سیاسی، اقتصادی و اخلاقی می‌پردازد و الگویی از روابط متقابل عالی‌تر و بیانات صریحی
در خصوص اصلاح واقعیات زندگی زنان عرضه می‌کند. اگر این مسیر مهم قرآنی در طول
چهارده قرن کاملاً محفوظ مانده بود، موقعیت زنان مسلمان در بسیاری زمینه‌ها در سطح
جهانی به مراتب بهتر از آن چیزی بود که اکنون هست. ایده‌آسی برابری جنسیتی در
جهان‌نگری قرآنی ریشه دارد. بنابراین تمام مباحث مربوط به حقوق بشر برابر برای زنان
در این جهان‌نگری قرآنی مهر تأیید خورده‌اند.

قال رسول الله (ص): ان لربك عليك حقاً و لأهلك عليك حقاً و لنفسك
عليك حقاً، فئت كل ذي حقاً حقاً. (صحيح بخاری، ۳، ۱۸۹)

پیامبر (ص) می‌فرماید حقیقتاً خداوند بر تو حقی دارد و خانواده شما بر تو
حقی دارد و نفس تو نیز بر تو حقی دارد، پس حق هر صاحب حقی را ادا
کن (صحيح بخاری ۳، ۱۸۹).

این حدیث مهم است چون توصیه می‌کند که راه ادا کردن حقی که خداوند برگردن ما به عنوان نوع انسان دارد، ادا کردن آن دو حق دیگر است. اولین حق از این دو به روابط ما با دیگران مربوط می‌شود. کلمه «اهل» هم می‌تواند به شیوه‌ای محدود به معنای خانواده ما باشد و هم در کلی‌ترین حالت به خانواده انسانی اطلاق شود. این بدان معناست که ما باید هم به اتفاق دیگران و هم برای خود فعالیت کنیم. این دومی به حقی برمی‌گردد که باید نسبت به نفس خود ادا کنیم.

این حدیث ضرورت ایجاد تعادل بین شیوه ادای حق دیگران در خانواده یا اجتماع، ادای حق نفس خود و شیوه ادای حق خداوند را به ما یادآوری می‌کند. همچنین این تصور را به چالش می‌کشد که نقش زن مسلمان در خانواده منحصر است به اینکه خود را فدای دیگران و رفع نیازهای دیگران کند و مهم هم نیست که این فداکاری چقدر بزرگ باشد. پدرسالاری متمایل است به بهره‌کشی از کاری که بر اساس عشق صورت می‌گیرد و مراقبتی که زنان در خانواده انجام می‌دهند، انگار این کارها از استعدادها و زیست‌شناختی زن ریشه گرفته و بازتاب فشار ناشی از وظیفه‌های سنگین [بر دوش زنان] نیست. برای برخی زنان این تمایل به آنجا انجامیده است که عرصه خصوصی را به زندانی برای آنها تبدیل کرده است که گریزی از آن ندارند، مباد که دیگران آنان را زنانی راستین و ایده‌آل ندانند. برای برخی دیگر این تمایل بن‌بستی دو سویه است؛ زیرا باید هم نقش اصلی مراقبتی خود را در خانواده ایفا کنند و هم در عرصه عمومی برای دریافت دستمزد وارد رقابت شوند. بعلاوه این عرصه عمومی به طور کلی هم راستا با فعالیت مردان تعریف شده است و این مردان غالباً متکی بر کار مراقبتی زنان در خانه اند. حدیثی که نقل شد از زنان و مردان می‌خواهد که بین خدمت به خود و خدمت به یکدیگر و خانواده و اجتماعات و خدمت به خدا تعادل برقرار کنند.

نهایتاً این که قرآن در بیانی که مختص روابط صمیمانه خانوادگی بین زن و مرد است، می‌گوید:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً
وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد آری در این [انعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است (روم، ۲۱)

روابط بین زوجین آنگونه که اینجا توصیف شده به اعلا درجه قرین مهربانی است. مودت به معنای مهربانی و همچنین عشق دوسویه و صمیمیت است. مودت رابطه‌ای مبتنی بر رقابت، خشونت، کشمکش یا سلسله مراتب نیست. ممکن نیست شرایط ارتباطی دو سویه در خانواده وجود داشته باشد الا اینکه رابطه بنیادین میان زوجین با مودت آغاز شود. ما به جای سلطه شراکت را قرار می‌دهیم و به جای رقابت همکاری را. این نکته تمام جنبه‌های معاوضه را در بر می‌گیرد که اینجا قرآن با عباراتی رساتر کلیت آن را بیان می‌کند: «مودةً بین الرجل و المرأة» (عشق دو سویه بین مرد و زن).

الگوی سنتی خانواده که در اندیشه فقهی اسلامی مورد تکریم است، الگویی است بر پایه مناسبات سلطه چنان که تنها مرد و همیشه او قومون: یعنی مسئول به حساب می‌آید که در بعضی تفاسیر به «برتر» هم ترجمه شده است. در نتیجه زن تنها می‌تواند و باید همواره تابع، زیر دست و بنابراین وابسته به مرد باشد. اگرچه این مدل شبیه رویه زمان وحی است، اما مدلی پدرسالار است که با عاملیت و کرامت زن در شرایط کنونی در تناقض است. زنان نقش ارزشمندی در همه عرصه‌ها، خصوصی و عمومی داشته‌اند و به ایفای این نقش ادامه خواهند داد. این واقعیات باید در اصلاح قوانین و سیاست‌گذاری‌ها انعکاس یابند تا نقش ارزشمند زنان و مأموریت کامل انسانی آنان مورد تأیید واقع شود. تنها الگوی نشانگر این کمال الگویی مبتنی بر عشق دوسویه و احترام و آن الگویی است که در آن برابری کامل اعمال شود.

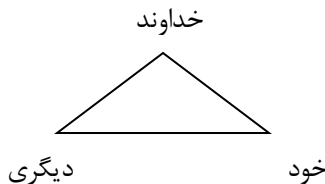
۴. پارادایم توحیدی اصلاح

آنچه که در ملاحظات مدرن، قوانین احوال شخصی یا قوانین خانواده اسلامی را متمایز می‌سازد، رابطه بین زنان به عنوان بازیگران و عاملان هم از حیث تفسیر و هم از

حیث فقه است. در این مقاله مشروعیت زنان را به عنوان بازیگران و عاملان، با تحلیلی قرآنی توصیف کرده‌ام. هدف به ویژه آن بود تا نحوهٔ ایجاد شراکتی فعال در حوزه‌های حقوقی و سیاسی و در خانواده توسط زنان و مردان و به اسم اسلام و عدالت، روشن‌تر شود.

نگرش به نقش همکاری را در اصل از اندیشهٔ توحید الهام گرفته‌ام؛ آنجایی که در سطح پراکسیس اجتماعی و در مناسبات انسانی اعمال می‌شود. توحید در بنیادی‌ترین سطح به معنای یگانگی خداوند است. خداوند یکتا و واحد است. کلمهٔ توحید از شکل دوم فعل وَحَدَّ می‌آید و اصطلاحی پویا است که بر قدرت الهی در وحدت و نظم بخشیدن به همه اشیاء تأکید دارد. پیشتر، از این نظم با عنوان معاوضه، یا تعامل دوسویه، همکاری و وابستگی متقابل اشاره کردم. رابطهٔ نظم با توحید آخرین نکته‌ای است که به آن خواهیم پرداخت.

اندیشهٔ بنیادی اسلام این است که خداوند اکبر است. الله اکبر. علاوه بر این قرآن روشن ساخته است که هرگاه دو شخص با هم باشند، خداوند سومین آنهاست، یا هرگاه سه نفر با هم باشند خداوند چهارمین آنهاست و... (مجادله، ۷). با توجه به این که خداوند همه جا حی و حاضر است رابطهٔ معاوضه را می‌توان یک رابطهٔ متقابل افقی شبیه این در نظر گرفت.



از آنجایی که بر اساس توحید خداوند واحد و اکبر است، پس هر رابطه‌ای بین دو نفر نمی‌تواند غیر از رابطه‌ای افقی و متقابل باشد. این سطح افقی مبین همکاری دوجانبه است چراکه نقش یکی می‌تواند با نقش دیگری به کلی جابجا شود.

در چارچوب پدرسالاری مرد برتر از زن است که می‌توان در رابطه‌ای عمودی آن را چنین در نظر گرفت:

مرد
|
زن

پدرسالاری نوعی شرک است چون مردان و زنان را وارد رابطه‌ای می‌کند که قادر به ارتباط متقابل مناسب نیست، زیرا در آن یک شخص همیشه «برتر» از دیگری است. براساس توحید این امر ممکن نیست، زیرا حضور خداوند به عنوان برترین نقطهٔ کانونی باید حفظ شود. از آنجا که هرگاه و هر جا که خداوند حضور دارد محور جدیدی ایجاد می‌شود و خداوند همیشه حی و حاضر است، کسی نمی‌تواند بدون روی گردانی از توحید موقعیت برتری را کسب کند.

نتیجه گیری

موضوع مورد بحث در سطح عملی، وارد کردن تجربهٔ زنان مسلمان به این گفتار است. ما صدای زنان، تجربهٔ زنان و شیوه‌های شناخت زنان را به منزلهٔ آورده‌های واقعیت‌های زیست شدهٔ جوامع اسلامی که به قدر آورده‌های مردان مهم اند توانمند می‌کنیم. تجربهٔ زنان در تنظیم همهٔ سیاست‌ها و رویه‌های مربوط به آنان به امری محوری بدل شده است. در اسلام عاملیت زنان و مردان امری محوری است - زنان را نمی‌توان به موقعیت فرودست تنزل داد. زنان در بستر دولت-ملت‌های مدرن مسلمان و در قلمرو پیچیدهٔ تکثرگرایی جهانی امروزی و تلاش برای دموکراسی و حقوق بشر، شایستهٔ داشتن سهمی عمده در قوانینی هستند که بر زندگی شخصی، حرفه‌ای و روانی شهروندان حاکم‌اند.

دولت ملت‌های مسلمان و عرصهٔ جهانی شاهد تغییرات سریع، ارتباطات درونی و مباحثات مختلف دربارهٔ حقوق بشر، حقوق بشر زنان، حقوق بشر اسلامی و تکثرگرایی

هستند. مهم است که زنان و مردان مسلمان در بررسی این امر که این تحولات در بستر فرهنگ‌ها، کشورها و دین ما اسلام، چه معنایی به خود می‌گیرند، نقش اصلی را ایفا کنند. همچنین مهم است که این پیوندهای جدید را در پرتو منابع سنتی چنان لحاظ کنیم تا آنچه را که بر اساس اصول و ارزش‌های پایدار ما اساسی است، متحول و در عین حال تقویت کنیم. در غیر این صورت ما به ورطه تقلید کورکورانه از سنت‌ها در خواهیم غلتید. همچنین لازم است ارزیابی دقیقی از جایگاه اعمالمان با رعایت امر به معروف و نهی از منکر داشته باشیم. در اینجا معروف اصطلاحی کلیدی برای «امر جهان‌شمول» است و به آنچه که خوب و بدیهی است اشاره دارد. در خصوص قوانین خانواده سیاست‌های جدیدی مورد نیاز است که در راستای تحقق اراده خداوند و در پرتو توحید و برای ایجاد همکاری بیشتر بین اعضای اجتماع، تجربیات واقعی زنان و استعدادهای آنان را به مثابه بخشی از کل کارگزاران انسانی به حساب آورد.

منابع

- Capra, Fritjof (1996), *The Web of Life: A New Scientific Understanding of Life Systems*, New York, N.Y.: Anchor Books.
- Küng, Hans (2007), 'The Globalization of Ethics', in *Policy Innovations: The Central Address for a Fairer Globalization*, New York: The Carnegie Council, 13 December, available online at <http://www.policyinnovations.org/ideas/commentary/data/000028> (accessed 30 October 2008).
- Wadud, Amina (1999), *Qur'an and Woman: Rereading the Sacred Text from a Woman's Perspective*. New York: Oxford University Press.